

بسم الله الرحمن الرحيم

بیان نظر مرحوم آخوند در تخصیص آیات ناهیه توسط سیره

ملاحظه فرمودید که در نسبت بین آیات شریفه و سیره عقلائیة نمی‌توانیم سیره عقلائیة را مخصّص آیات قرار دهیم. دلیلش این بود که آیات شریفه بنا بر این که عمومیت داشته باشد، اصالة العموم در آنها جریان دارد و عموم آیات به قوت خودش باقی است؛ و سیره قبل از اینکه امضا شود، صلاحیت تخصیص آیات را ندارد. اگر سیره‌ای امضا شده بود، با قطع نظر از آیات سیره ممضات می‌توانست آیات شریفه را تخصیص بزند؛ آیات به عموم خودش باقی است و سیره هنوز امضا نشده است. همین جا، مرحوم محقق اصفهانی اعلی الله مقامه الشریف در جلد سوم نه‌ایة الدراية از صفحه 248 تا 255 یکی از مطالبی که مناسب این قسمت از بحث هست، می‌فرمایند: دلالت آیات بر معنای خودش به نحو تام الاقتضاست؛ آیات بر طبق اصالة العمومی که در آنها جریان پیدا می‌کند، اقتضایش تام است؛ یعنی دلالت دارد بر نهی از عمل به غیر علم مطلقاً؛ و در این دلالت، الآن چیزی مانع نیست، اما دلالت سیره بر این که بخواهد مخصّص آیات شریفه قرار بگیرد، غیر تام الاقتضاست؛ برای اینکه حجیت سیره را یا باید بگوییم بر امضا توقف دارد و یا بگوییم توقف دارد بر اینکه آیات از آن رادعیت نداشته باشد. آن وقت، می‌فرمایند: اگر بخواهیم بگوییم آیات رادعیت از سیره ندارد، دور لازم می‌آید؛ و مقصود از دور در اینجا این است که به این نتیجه می‌رسیم که سیره اگر بخواهد از آیات شریفه مانعیت داشته باشد، مانعیتش بر خود مانعیت سیره متوقف است. بحث را یک مقداری دقت بفرمایید؛ چون نکته‌ی دقیقی دارد که صاحب منتقى الاصولان را از مرحوم محقق اصفهانی نقل کرده‌اند. اصل کلام برای بیان رفع دوری است که مرحوم آخوند بیان کردند. مرحوم آخوند فرمودند اگر آیات بخواهد رادعیت از سیره داشته باشد، دور لازم می‌آید.

اگر آیات بخواهد رادع باشد باید سیره مخصّص نباشد؛ و عدم مخصّصیت سیره توقف دارد بر این که آیات رادع باشد. لذا، رادعیت متوقف بر عدم مخصّصیت است و عدم مخصّصیت متوقف بر رادعیت است. مرحوم آخوند بعد از بیان دور نتیجه گرفته، و فرمودند: پس، هر دو از تأثیر می‌افتد؛ نه آیات شریفه می‌تواند رادعیت داشته باشد و نه سیره می‌تواند مخصّصیت داشته باشد. حالا که هر دو از تأثیر ساقط می‌شوند، آخوند فرمود: ما هستیم و سیره، می‌گوییم در این سیره ردعی ثابت نیست؛ به عدم ثبوت ردع تمسک کرده، و مسئله را تمام کردند. مرحوم آخوند فرمودند لازم نیست علم به عدم ردع داشته باشیم، بلکه عدم العلم به ردع کافی است. و با این، حجیت سیره ثابت می‌شود. بعد از آن می‌گوییم حالا این سیره‌ی تأیید شده در مرحله چهارم مخصّص برای آیات قرار می‌گیرد. هنر مرحوم آخوند این بوده؛ و این نکته‌ای است که شاید در خیلی از شروح کفایه اصلاً به آن توجه نشده است که بالاخره مرحوم آخوند در اینجا بعد از دور چه کرد؛ قضیه از اینجا شروع شد که به حجیت خبر واحد توسط سیره عقلا اشکال شد و گفتند آیات شریفه ناهیه از عمل به ظن رادع از سیره عقلاست؛ تا این اشکال شد، کار مرحوم آخوند شروع شد. این مسئله را خوب دقت کنید؛ امشب هم عبارت کفایه را ببینید. روح مطلب و لبّ کلام آخوند این است که می‌فرماید اگر بخواهید آیات را رادع از سیره قرار دهید، دور لازم می‌آید؛ چرا که رادعیت توقف دارد بر عدم مخصّصیت، و از آن

طرف اگر سیره بخواید مخصص نباشد، باید آیات رادعش باشد. منتها در مرحله بعد، مرحوم آخوند می‌گوید وقتی دور لازم می‌آید، می‌گوییم نه آیات رادع باشد و نه سیره مخصص باشد؛ هر دو را در این مرحله از اثر ساقط می‌کنیم.

بعد از سقوط هر دو، چون نمی‌توانیم بگوییم آیات و سیره‌ای نیست، در مرحله بعد می‌فرمایند: ما هستیم و سیره عقلائیه، فرض هم این شد که آیات رادعیت ندارد و همین عدم العلم به ردع برای حجیت سیره عقلائیه کافی است. با عدم العلم به ردع می‌گوییم حجیت سیره تکمیل می‌شود؛ بعد از تکمیل، می‌آئیم سراغ آیات، و سیره را مخصص برای آیات قرار می‌دهیم. در نهایت، مرحوم آخوند مخصصیت را قبول کرده است؛ منتها با این بیانی که ما عرض کردیم. عبارت مرحوم آخوند این است: «إِنَّمَا يَكْفِي فِي حَجِيَّتِهَا بَعْدَ ثَبُوتِ الرَّدْعِ عَنْهَا، لِعَدَمِ نَهْوِضِ مَا يَصْلُحُ لِرَدْعِهَا، كَمَا يَكْفِي فِي تَخْصِيصِهَا لَهَا ذَلِكَ، كَمَا لَا يَخْفَى» همین مقدار که عدم ثبوت ردع باشد، کافی است. اما در عبارت مرحوم آخوند ندارد که ایشان بالاخره می‌خواهد سیره را مخصص برای آیات قرار دهد؛ لیکن با بیانی که عرض کردیم، روح کلام آخوند به اینجا منتهی می‌شود و ایشان بالاخره مسئله تخصیص را قائل است. این خلاصه کلام مرحوم آخوند است.

اشکال نظر مرحوم آخوند

قبلاً بر کلام مرحوم آخوند اشکالاتی را وارد و ذکر کردیم؛ اما یک اشکال بسیار مهمی که امروز می‌خواهیم بیان کنیم، این است که اگر دور مرحوم آخوند را بپذیریم، دیگر هیچ دلیلی به نحو عموم نمی‌تواند از سیره عقلائیه رادعیت داشته باشد و همیشه برای ردع از سیره عقلائیه نیاز به دلیل خاص و رادع خاص داریم؛ در حالی که آنچه الآن واقع است در بین کلمات بزرگان و به عنوان یک مسئله‌ی مسلم و روشن در نزد آنها هست، این است که رادع سیره عقلائیه می‌تواند عام باشد و یا خاص. توضیح آن که: مرحوم آخوند بیانی اینجا دارند که این اشکال، یک اشکال قهری بر ایشان هست؛ و آن این که در هر جا که سیره عقلائیه داشته باشیم، در معاملات که فراوان سیره عقلائیه داریم، آنجا اگر آیه‌ای از آیات قرآن را بخواهیم به عنوان رادع قرار دهیم، نظیر همین اشکال پیش می‌آید. یعنی هر جا یک آیه یا روایتی بخواید به نحو عموم رادع باشد، گرفتار همین دور است؛ برای اینکه اگر آن آیه به نحو عام بخواید رادع باشد، متوقف است بر اینکه آن سیره عقلائیه مخصصش نباشد؛ و اگر سیره عقلائیه بخواید مخصصش نباشد، متوقف است بر اینکه آن آیه رادع از سیره باشد. پس، ما دیگر در هیچ کجا ردع عام از سیره عقلائیه پیدا نمی‌کنیم. نتیجه کلام آخوند این می‌شود که همیشه ردع، باید ردع خاص باشد؛ و هذا ممّا يَكْذِبُ الوجودان. در حالی که بالوجدان ملاحظه می‌کنیم که اگر شارع بخواید یک سیره عقلائیه را ردع کند، فرقی نمی‌کند که رادع عام باشد یا خاص. این اولین اشکال.

دومین اشکال همان مطلبی است که اول درس از طرف مرحوم اصفهانی عرض کردیم. مرحوم اصفهانی یک بیانی دارد برای رفع دور؛ منتها در کتاب منتقى الاصول فرمودند **وقد قرب المحقق الاصفهانی بیان للدور** در حالی که این کلام مرحوم اصفهانی دفع دوری است که مرحوم آخوند فرمودند. کلام مرحوم اصفهانی را عرض می‌کنم. پس، اولاً آنچه مرحوم اصفهانی می‌خواهد بگوید برای دفع دور است؛ منتها در این دفع دور، مدّعی اصفهانی اعلی الله مقامه الشریف که من واقعاً مردی را عمیق‌تر از ایشان در فقه و اصول ندیدم، این است که ایشان می‌فرماید آیات شریفه تام الاقتضاست و سیره غیر تام الاقتضاست؛ می‌خواهند نتیجه بگیرند که غیر تام الاقتضا نمی‌تواند با تام الاقتضا معارضه کند؛ وقتی نتوانست معارضه کند، دوری به وجود نمی‌آید. وقتی دور نبود، نتیجه این است که تام الاقتضا بر غیر تام الاقتضا مقدّم می‌شود؛ یعنی آیات بر سیره مقدم می‌شود و بنابراین، آیات شریفه رادعیت دارد. این خلاصه کلام اصفهانی است. منتها در لابلای این کلام مرحوم اصفهانی، یک دوری را در یک قسمتی درست کرده که شاید این سبب شده است که در کتاب منتقى الاصول آن اشتباه بشود؛ یا اشتباه از مقرر هم باشد؛ مقرر آن کتاب هم شهید بزرگوار است رضوان الله تعالی علیه. پس، این خلاصه کلام مرحوم اصفهانی است؛ حالا من دلم می‌خواهد آقایان به این کلام مراجعه کنند. عرض کردم مرحوم اصفهانی بحث مفصلی دارد؛ از صفحه 248 تا 255، این قسمتش را حتماً مراجعه بفرمایید. فردا ان شاء الله بیان خواهیم کرد. وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين.